بسم الله الرحمن الرحيم

ساختار، صلاحیت و نظام اجرای آرای دیوان عدالت اداری

دکتر سید عباس موسوی

پژوهشکدهٔ حقوق
تهران ـ ۱۴۰۳

سرشناسه	:	موسوی، سیدعباس، ۱۳۵۰شهریور-
عنوان قراردادی	:	ایران. قوانین و احکام .Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	:	ساختار، صلاحیت و نظام اجرای آرای دیوان عدالت اداری/سیدعباس موسوی؛ ویراستار سودابه رسولی.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	:	۲۷۸ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۳۸-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	دیوان عدالت اداری -- قوانین و رویه‌ها
موضوع	:	Administrative court of Justice -- Rules and practice
موضوع	:	آیین دادرسی اداری-- ایران
موضوع	:	Administrative procedure-- Iran
موضوع	:	اجرای حکم (حقوق اداری) -- ایران
موضوع	:	Executions (Administrative law) -- Iran
رده‌بندی کنگره	:	KMH۴۴۴۲
رده‌بندی دیویی	:	۳۴۷/۵۵۰۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۷۳۰۰۹۷

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

https://sdil.ac.ir/shop/

عنوان: **ساختار، صلاحیت و نظام اجرای آرای دیوان عدالت اداری**

مؤلف: **دکتر سید عباس موسوی**

ناشر: پژوهشکده حقوقی شهر دانش

صفحه‌آرا و ویراستار: سودابه رسولی

طراح جلد: زهرا کریمی

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۴۰۳

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۲۳۸-۱

بهاء: ۳۰۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریم‌خان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفا می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانون‌گذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور بر عهده دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل توجهی را در توسعه کمّی ادبیات حقوقی شاهد بوده است. شمار کتب و نشریات حقوقی انتشار یافته در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی مورد نیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات مورد نیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **دکتر سید عباس موسوی** در تألیف کتاب **ساختار، صلاحیت و نظام اجرای آرای دیوان عدالت اداری** را ارج نهاده، امیدوار است آفرینه ایشان سودمند واقع شده و با استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اجمالی مطالب

سخن ناشر	۵
نشانه‌های کوتاه (سرواژگان)	۹
دیباچه	۱۱
مقدمه	۱۵
مبحث اول: ساختار و صلاحیت دیوان عدالت اداری	**۱۹**
مبحث دوم: آیین دادرسی در رسیدگی دیوان عدالت اداری	**۴۳**
مبحث سوم: شکایت و اعتراض نسبت به آرای شعب	**۶۷**
مبحث چهارم: آیین رسیدگی در هیأت عمومی و صلاحیت‌های این مرجع	**۸۹**
مبحث پنجم: آیین اجرای تصمیمات و احکام دیوان عدالت اداری	**۱۲۳**
پیوست شماره (۱)	**۲۰۵**
«قانون دیوان عدالت اداری»	۲۰۵
پیوست شماره (۲)	**۲۴۵**
«واژگان خارجی برابر با واژگان فارسی»	۲۴۵
پیوست شماره (۳)	**۲۵۱**
«نمایه واژگان مهم و پرکاربرد»	۲۵۱
پیوست شماره (۴)	**۲۵۵**
«نمایه قوانین و مقررات»	۲۵۵
فهرست تفصیلی مطالب	۲۶۳
پایگاه یافته‌ها	۲۷۲

نشانه‌های کوتاه (سرواژگان)

Abbreviations / Abréviations

ق.آ.دک	قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
ق.آ.د.م	قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹
ق.ا.ا.م	قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۷۹
ق.ت	قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
ق.د.ع	قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲
ق.م	قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴
ق.ن.ا.م.م	قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲
ش	شماره
ص	صفحه
ر.ف	رجوع فرمایید

دیباچه

دیوان عدالت اداری برابر اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی مأموریت دارد تا عدالت اداری را در مناسبات بین شهروندان با دولت، نهادهای دولتی و حاکمیتی، مؤسسات عمومی، شهرداری‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت برقرار سازد. نقش دیوان عدالت در برنامه برپایی عدالت و آرمان دادگستری اهمیت بسیار دارد. چه اگر مناسبات اداری و دیوانی بر مدار قانون بوده و حقوق شهروندان و مردم برابر اقتدار دولت ایمن بماند؛ فرهنگ قانون‌مداری تحکیم یافته و مناقشه‌های فراوانی که ریشه در این موضوع دارد، برطرف می‌شود.

اهمیت دادن به این مرجع، تلاش در گسترش صلاحیت‌ها و پذیرش و اجرای آرا و تصمیمات آن، انعطاف دولت را برابر قانون و هنجارها متبلور می‌سازد و می‌تواند نشانه آشکار بر مردم‌مداری حاکمیت باشد. افزون بر آن جریان مناسبات اداری را پاکیزه ساخته و نارسایی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را از سوی صاحب‌منصبان و اشخاص در قدرت تعدیل می‌نماید. همین‌طور تعقیب اداری قانون‌گریزان، دامن دولت و دستگاه‌های اداری را از افراد ناشایست مبرا می‌سازد.

این ره‌یافت نظام‌های حقوقی را به برپایی تشکیلاتی در قلمرو دادگستری یا به شکلی نیمه‌مستقل به‌موازات آن برای تصدی دادرسی اداری، برپایی عدالت اداری و تضمین سلامت مقررات و حقوق شهروندان در برابر صاحبان قدرت و موقعیت سوق داده است. نظام حقوقی ما قریب به ۱۲۰ سال است که از این جنبش و جهش الهام یافته و ساختار سازمانی برای پاسخ به دادخواهی شهروندان علیه مقامات دولتی را بنیان گذاشته است.

دیوان عدالت اداری در گذر زمان دستخوش دگرگونی از جهت مقررات، ساختار و تشکیلات گردیده و برابر آخرین تحولات تقنینی بر مبنای قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲ صلاحیت اصولی خود در برخورد با آرا، تصمیمات و مصوبات دولت و اشخاص در حکم دولت را تحکیم بخشید. این مرجع از طریق؛ شعب نخستین و تجدیدنظر، هیأت‌های تخصصی و عمومی و نهادهای فرعی دیگر عالی‌ترین تشکیلات قضایی در کنترل اقدامات و تصمیمات ارگان اداری، دستگاه‌های اجرایی، مؤسسات

عمومی و شهرداری‌ها و پایبندی ایشان به قانون است. دیوان از دو رهگذر مأموریت ذاتی خود را محقق می‌سازد:

- از طریق شعب نخستین و تجدیدنظر به شکایت شهروندان نسبت به آرا و تصمیمات دستگاه‌های اجرایی و ... رسیدگی می‌نماید.

- از طریق هیأت‌های تخصصی و عمومی مصوبات و تصمیمات مراجع در قدرت را، بازرسی و کنترل نموده و در صورت اقتضا ابطال می‌نماید.

در تحولات تازه وادار ساختن دستگاه‌های اجرایی و اشخاص مخاطب دیوان به اتخاذ تصمیم و اقدام لازم در پاسخ به درخواست و مراجعه شهروندان، به قلمرو صلاحیت‌های دیوان افزوده شده و نقص و نارسایی که آرمان و برنامه‌های این تشکیلات را معیوب می‌نمود، برطرف شد. با این وصف خوی قانون‌گریزی در دستگاه‌های اداری و اشخاص در قدرت چنان عمق و گسترش یافته که به باور تحلیلگران و ناظران منصف، دیوان عدالت نیروی لازم را در برخورد با آنها و تحکیم عدالت اداری ندارد. تعدیل صلاحیت‌های دیوان و برقراری استثنائات پیاپی در فهرست اختیارات دیوان بدون مبنای درست و خلاف اصل تساوی عموم برابر قانون، موجب شده تا بخش قابل توجهی از حاکمیت از برخورد قضایی مصونیت یافته و بی‌واهمه و دغدغه، اقدامات و تصمیمات ناروای خود را بر مردم تحمیل سازد.

چالش‌ها و موانع در مسیر اجرای آرا و تصمیمات دیوان مشکل دیگری است که تحقق آرمان این نهاد را دشوار می‌نماید. اشخاص مخاطب دیوان با بهره‌گیری از نفوذ و قدرت چنانچه در دوره دادرسی نتوانند مسیر دادخواهی را به میل خود سوق داده یا به بیراهه ببرند، به هنگام اجرای رأی و تصمیم تلاش خود را دوچندان ساخته و با تدارک چالش‌های تازه، موانع جدی، عملی و گاه قانونی فراروی آن قرار می‌دهند. مقررات اصلاحی با دریافت این واقعیت، تدبیر تازه‌ای برقرار ساخت تا موانع و چالش‌ها در اجرای آرا از میان برداشته شود. از جمله؛ وضع مقررات و مصوبات تازه برای بی‌اثر ساختن آرا و تصمیمات شعب و هیأت‌ها منع شده و دامنه اختیار هیأت عمومی بدین منظور تعدیل گردید؛ اما واقعیت آن است که توفیق دیوان در این مسیر نسبی است و همچنان شاهد نقض روزافزون حقوق اداری و هنجارگریزی از سوی سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری هستیم.

آفرینه پیشِ رو با تحلیلی تازه از آخرین مقررات اصلاح‌شده دیوان عدالت اداری و به‌منظور شناخت بیشتر با ساختار، صلاحیت‌ها و نظام اجرای آرای دیوان، نگارش و تدوین یافت و تلاش نگارنده سخنی تازه پیرامون مباحث یادشده است. اگرچه در این زمینه و به‌طور کلی حقوق اداری و شرح مقررات دیوان آثار ارزشمند و سودمندی در دسترس است.

از مجموعه پژوهشکده حقوقی شهر دانش و دوست گران‌قدر و اندیشمندم آقای دکتر وحید اشتیاق سپاس فراوان دارم که حلقه پیوند نگارنده با شما خوانندگان ارجمند شده و بر بنده منت گذاشت و تحفه کم‌بهای مرا به زیور ویرایش و نمایش، آرایش داده است. امیدوارم به سهم خود در رونق داده‌های پیرامون حقوق بس مهم اداری نقش‌آفرین بوده و اثری هر چند اندک در تعدیل‌یافته‌های مخاطبان بر جای گذاشته باشم. ایده و خُرده شما عزیزان را مشتاقانه پذیرا بوده و به‌منظور افزایش آگاهی و بازسازی پندار خویش پاس می‌دارم.

سید عباس موسوی
تابستان ۱۴۰۳

مقدمه

بر پایه اصل یک‌صد و هفتاد و سوم قانون اساسی: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیرنظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند». دیوان عدالت اداری، مرجع منحصر و عالی اداری در کشور است که از آغاز شکل‌گیری تاکنون به‌موجب قانون خاص با عنوان قانون دیوان عدالت اداری که به دفعات با عنوان‌های دیگر چون قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت و سپس نام نخستین دگرگون یافته، صلاحیت قضاوت و رسیدگی به اعتراض و شکایات شهروندان و اشخاص حقوقی غیردولتی نسبت به اقدامات غیرقانونی، تخلفات و مراتب کوتاهی و قانون‌گریزی نهادهای دولتی و عمومی در انجام وظایف قانونی را در اختیار گرفت.

۱- پیشینه اندیشه نهاد رسیدگی به شکایت علیه دولت

فکر پیدایی و شناسایی نهادی که متولی رسیدگی به شکایات مردم علیه نهادهای دولتی و عمومی باشد، مربوط به پیش از جنبش مشروطیت است. در گذشته این دغدغه به دیوان مظالم سپرده شده بود تا مرجعی در کنترل قدرت فسونگر دولت باشد؛ اما با الهام از تحولات ساختاری در نظام حقوقی فرانسه و استقرار شورای دولتی و عمومی در آن کشور که به شکایات شهروندان از سازمان‌ها و مراجع اداری و دولتی رسیدگی می‌نمود، قانون‌گذار ایران نیز به فکر وضع و استقرار نهادی مشابه فرو رفت. در آغاز اصل سی و دوم قانون اساسی مشروطیت لزوم رسیدگی به عرض حال و شکایات از مجلس و وزارتخانه‌ها را در حکمی کلی برقرار ساخت. در ادامه به‌موجب ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی[1]، مسؤولیت دولت در دو قلمرو اعمال تصدی و حاکمیتی شناسایی شد و حق شهروندان در بازیافت خسارات ناشی از اقدامات زیان‌بار دولت مشروع دانسته شد.

---

۱. ماده ۱۱ قانون مسؤولیت مدنی: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام‌وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسؤول جبران خسارت وارده می‌باشند؛ ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور ←

نخستین بار «قانون راجع به شورای دولتی» مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ در ۳۲ ماده و ۳ تبصره به تصویب کمیسیون مشترک دادگستری مجلسین رسید؛ اما هیچ‌گاه به مرحله اجرا درنیامد و شورای دولتی هیچ وقت تشکیل نشد.[۱] قانون شورای دولتی با اقتباس از مقررات مربوط به شورای دولتی فرانسه[۲] به تصویب رسید. در بند الف ماده ۲ این قانون صلاحیت شورای دولتی رسیدگی به شکایات از تصمیمات و اقدامات کلیه مراجع و مؤسسات دولتی، شهرداری، تشکیلات وابسته به آنها و همچنین رسیدگی به اعتراضات بر مدلول تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و سایر تظلمات دولتی و شهرداری تعیین گردید. به شرط آنکه تصمیمات و اقدامات مورد شکایت مبتنی بر تخلف و سرپیچی از قانون، فقدان صلاحیت مرجع صادرکننده، تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات، تخلف در اجرای قوانین موضوعه و یا خودداری از انجام وظایف قانونی منجر به تباهی حقوق افراد باشد.

۲- اندیشه پایداری نهاد قضایی علیه دولت پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ضرورت شناسایی و بقای مرجعی خاص به‌منظور کنترل اختیارات گسترده دولت و مراجع عمومی و پاسخ به شکایات شهروندان علیه آنها مسلم دانسته شد. اصول یک‌صد و هفتادم و یک‌صد و هفتاد و دوم قانون اساسی مهم‌ترین احکام قانونی در شناسایی و مشروعیت دیوان عدالت اداری است. در آغاز انقلاب دیوان زیرنظر شورای عالی قضایی قرار گرفت. قانون دیوان عدالت اداری در ۴ بهمن ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون مزبور با گذر زمان و نیاز به بازنگری در سال ۱۳۸۵ تنقیح و تشکیلات و ساختار دیوان دچار دگرگونی شد. دگرباره در سال ۱۳۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. ره‌آورد این سند؛ رسیدگی دومرحله‌ای و احیای شعب تجدیدنظر و تحول در

باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که برحسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود.»

۱. ابوالحمد عبدالحمید، *حقوق اداری* ایران، چاپ هشتم (تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۸)، ش ۶۸۴ – ۱، ص ۸۱۰.

2. Conseil d’état

محدوده صلاحیت دیوان عدالت اداری به‌موجب ماده ۱۰۰ و بندهای آن بوده است؛ اما سرانجام در سال ۱۴۰۲ قانون جدید دیوان عدالت اداری به تصویب رسید.

۳- مهم‌ترین دگرگونی‌ها در قانون اصلاحی ۱۴۰۲

از مهم‌ترین دگرگونی‌ها در سند تقنینی جدید را می‌توان در موارد ذیل دید:

- تعدیل اختیارات و صلاحیت‌های دیوان در عین بقای رسیدگی دومرحله‌ای؛
- گسترش صلاحیت‌ها و وظایف رئیس دیوان عدالت اداری؛
- ضرورت اعلام موضوع از سوی شاکی به خوانده قبل از تقدیم دادخواست؛
- تنقیح و تعدیل مأموریت‌های هیأت عمومی؛
- تقویت بخش اجرای احکام دیوان؛
- یک مرحله‌ای شدن رسیدگی به اعتراض از آرای مراجع شبه‌قضایی؛
- تأسیس معاونت حقوق عامه؛
- صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای رأی شعبه دیوان؛
- تعیین ضرب‌الاجل یک‌ماهه برای اجرای آرای دیوان از سوی محکومٌ‌علیه از تاریخ ابلاغ رأی؛
- اعطای صلاحیت طرح شکایت به دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی، دیوان محاسبات و سازمان‌های مردم‌نهاد نسبت به تباهی و تجاوز به حقوق عمومی (تبصره ۱ و ۲ الحاقی به ماده ۱۷ ق.د.ع)؛

٤- نسبت دیوان عدالت اداری ایران با شورای دولتی فرانسه

شورای دولتی یا به تعبیر رساتر «دیوان دولت» در فرانسه اغلب وظیفه دادگاه استیناف را عهده‌دار است و فقط در موارد استثنایی وظیفه دادگاه نخستین را به عهده می‌گیرد. این مرجع به همه دعواهای اشخاص حقیقی و حقوقی علیه دولت در حوزه قضایی‌شان، رسیدگی می‌کند. بیشتر رأی‌های شورای دولتی متکی به روح قوانین، عدالت و انصاف بوده و به نحو استثنایی بر پایه قانون است؛ از این رو می‌گویند: حقوق

اداری فرانسه که شورای دولتی آن را شکل داده و پدید آورده متکی به رویه قضایی است.[۱]

شورای دولتی فرانسه به‌عنوان عالی‌ترین محکمه اداری نظام اداری فرانسه، صلاحیت رسیدگی فرجامی دارد. مأموریت اصلی شورای دولتی قضاوت در مورد فرجام‌خواهی علیه تصمیمات صادره توسط قضات اداری (دادگاه‌های اداری، دیوان‌های استیناف و محاکم اداری خاص) است. نقش این شورا به‌مثابه مرجع فرجامی، ارزیابی تطبیق تصمیمات صادره با قانون است. فرجام‌خواهی در دو حالت برای طرفین ممکن است:

- هر یک از طرفین در مرحله پژوهش نزد دیوان استیناف اداری یا محاکم اداری خاص
- هر یک از طرفین اختلاف قضاوت‌شده به‌عنوان رأی نخستین و آخرین مرحله (یعنی امکان پژوهش‌خواهی وجود ندارد. به‌عنوان مثال تصمیم دادگاه ملی حقوق متقاضیان پناهندگی) در نزد دادگاه اداری یا محاکم اداری خاص که موافق تصمیم اتخاذشده نیست.

در مواردی خاص شورای دولتی چه به‌عنوان اولین و آخرین مرحله (بدین معنی که اولین و آخرین دادگاهی است که به اختلاف رسیدگی می‌کند) و چه در مرحله پژوهش‌خواهی، خود به اختلاف رسیدگی می‌کند.[۲]

رأی شورای دولتی برخلاف وصف مشترک آرا در نظام حقوقی ما با عنوان حکم[۳] یا قرار،[۴] با عنوان Arrêt توصیف می‌شود.

---

۱. ابوالحمد، عبدالحمید. همان، ش ۶۸۳ – الف.

2. Voir en ce sens, Jacques ARRIGHI DE CASANOVA, « La fonction consultative du Conseil d'État », *Revue du droit public,* Mars 2024, pp.17-21. Émilien QUINART, « Le Conseil de l'État dans la mise en place des institutions de la Ve République », *Revue du droit public*, Mars 2024, pp.21-37.

3. Judgment / Jugement

4. Order / Ordonnance

مبحث اول
ساختار و صلاحیت دیوان عدالت اداری

به‌موجب ماده ۱ قانون دیوان عدالت اداری اصلاحی ۱۴۰۲: «در اجرای اصل یک‌صد و هفتاد و سوم (۱۷۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأموران، واحدها و آیین‌نامه‌های دولتی خلاف قانون یا شرع یا خارج از حدود اختیارات مقام تصویب‌کننده، دیوان عدالت اداری که در این قانون به‌اختصار «دیوان» نامیده می‌شود زیرنظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد». دیوان عدالت اداری به‌عنوان عالی‌ترین مرجع اداری کشور دارای ساختار قانونی و صلاحیت ذاتی تعریف شده است. در ساختار و تشکیلات این مرجع عمومی قضایی، چند مقام و مرجع مهم دیده می‌شود: رئیس دیوان، شعب دیوان، هیأت عمومی، هیأت‌های تخصصی و واحد اجرای احکام مدنی که هر یک به‌موجب مقررات خاص دارای صلاحیت و اختیارات مشخص هستند. صلاحیت دیوان نیز در سند تقنینی جدید گسترده شد و در ماده ۱۰ قانون یادشده در نمایی کلی و در پاره‌ای مواد دیگر بسته به جایگاه هر یک از ارکان متبلور گردید.

۱- ساختار و تشکیلات دیوان عدالت اداری

اجزا و ارکان مهم دیوان عدالت اداری را برابر احکام مقرر در ق.ع.د می‌توان در نماد و نقش‌آفرینی اشخاص و مراجع زیر جست‌وجو نمود:

۱-۱ رئیس دیوان عدالت اداری

رئیس دیوان؛ قاضی دارای پیشینه قضایی کافی و واجد شایستگی‌های لازم به تشخیص رئیس قوه قضائیه است که با دریافت این ابلاغ؛ ریاست اداری و نظارت بر تمام قسمت‌های دیوان و ریاست شعبه اول تجدیدنظر را عهده‌دار می‌شود. او می‌تواند مأموریت‌ها و وظایف خود را به کمک معاونین خویش به انجام رساند. از بین معاونین یک نفر به‌عنوان معاون اول برگزیده می‌شود. افزون بر آن رئیس دیوان عدالت اداری

برابر مواد ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۹، ۴۴، ۴۷، ۶۶، ۷۳، ۷۹، ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۲۱، تبصره مواد ۷، ۸، ۱۹، ۷۹، تبصره ۲ ماده ۳۵، تبصره ۱ و ۳ ماده ۸۰ و تبصره ۲ ماده ۸۵ ق.د.ع دارای اختیارات و وظایف گسترده‌ای به شرح زیر است:

- ارائه برنامه تنظیم ساختار و تشکیلات دیوان به رئیس قوه قضائیه (ماده ۲ ق.د.ع)؛
- پیشنهاد انتصاب قضات شایسته خدمت در دیوان عدالت به رئیس قوه قضائیه (ماده ۴ ق.د.ع)؛
- بهره‌گیری و ارجاع امور تخصصی به کارشناسان یا مشاوران صاحب‌نظر و نیز دریافت نظریه مشورتی گروه کارشناسان نسبت به موضوعات مطروحه جدید و موضوعات دارای ابعاد گسترده اداری و اجتماعی (ماده و تبصره ماده ۷ ق.د.ع)؛
- دعوت از کارشناسان صاحب‌نظر برای شرکت در جلسات هیأت عمومی یا هیأت تخصصی و شنیدن دیدگاه ایشان بدون داشتن حق رأی (تبصره ماده ۸ ق.د.ع)؛
- ریاست بر شعبه اول تجدیدنظر دیوان (ماده ۵ ق.د.ع)؛
- ریاست بر جلسات هیأت عمومی دیوان یا تفویض این مسؤولیت به یکی از معاونین (ماده ۸۵ ق.د.ع)؛
- نظارت بر واحد اجرای احکام دیوان (ماده ۹ ق.د.ع)؛
- پیشنهاد تعیین هزینه دادرسیِ[1] رسیدگی به شکایت و درخواست در شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت هر سه سال یک‌بار به رئیس قوه قضائیه (تبصره ماده ۱۹ ق.د.ع) و نیز پیشنهاد دستمزد برای هیأت‌های کارشناسی (ماده ۷ ق.د.ع)؛
- اظهارنظر در رد یا تأیید دستور موقت[2] صادر از شعب بدوی و تجدیدنظر (مواد ۳۵ و ۷۳ ق.د.ع)؛
- مطالبه اسناد و داده‌های مورد نیاز از هر یک از واحدهای دولتی، شهرداری‌ها، دیگر مؤسسات عمومی و مأمورین آنها (ماده ۴۴ ق.د.ع)؛
- ارجاع دادخواست تجدیدنظر به یکی از شعب تجدیدنظر دیوان عدالت (ماده ۶۶

1. Fraise de l’ instance
2. Ordonnance de référé